

# گزارشی دربارهٔ تهیه و توزیع کتابهای درسی

محمود طاهر احمدی

از آغاز دههٔ ۱۳۴۰، بر اثر دگرگونی‌هایی که بتدریج در برنامهٔ تحصیلی دورهٔ ابتدایی و متوسطه روی داد، کتابهای درسی نیز، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت و تصمیم‌هایی برای بهبود مراحل مختلف تولید و توزیع آنها گرفته شد که اسناد زیر، بروشنی آنها را بیان می‌کند. سند شمارهٔ یک، متن نامه‌ای است که مرحوم استاد احمد پیرشک، نویسنده و مترجم و ریاضیدان نامدار، در سال ۱۳۱۷ به وزارت فرهنگ نوشت و در آن، ضمن اشاره به قانون انحصار تهیه و توزیع کتابهای درسی، از آن وزارتخانه خواست که او را «در تالیف کتابهای ریاضی دخالت دهد».

سند شمارهٔ دو، گزارشی است خواندنی دربارهٔ کتابهای درسی که آن را دکتر محمد امین ریاحی، (۵) مدیر کل نگارش وزارت فرهنگ، در شهریور ۱۳۴۱ برای آگاهی مسئولان آن وزارتخانه نوشت و ارسال کرد. سند شمارهٔ سه، نامه‌ای است که دکتر ریاحی، در پی گزارش پیشین خود به وزارت فرهنگ نوشت و در آن، به ارزیابی نتایج روش تهیه و توزیع کتابهای دبیرستانی پرداخت.

## پی‌نوشتها:

۱. سالنامه و آمار و مجموعه قوانین و مقررات فرهنگی (۱۳۶۶، ۱۳۶۷)، وزارت فرهنگ، قانون اساسی فرهنگ، صص ۴، ۱.
۲. در این باره، بنگرید به «مجله سخن، ذبیح الله صفا، کتب درسی، (تیر ۱۳۲۲) سال اول، شمارهٔ دوم، صص ۸۱، ۸۳».
۳. بنگرید به سند شمارهٔ ۱.
۴. برای آشنایی با متن کامل قانون تعلیمات اجباری، از جمله بنگرید به «مجله سخن، قانون تعلیمات اجباری، (مرداد ۱۳۲۲) سال اول، شمارهٔ سوم، صص ۱۸۲، ۱۸۶».
۵. دکتر محمد امین ریاحی، در خوی متولد شد و کار خود را با دبیری ادبیات آغاز کرد و چندی نیز، در دانشگاه به تدریس پرداخت. وی، همچنین در مناصب معاونت فرهنگ آذربایجان، مدیر کلی ادارهٔ نگارش وزارت فرهنگ و وزیر مختاری و رایزنی فرهنگی ایران در ترکیه خدمت کرد. ریاحی، در دولت شاپور بختیار، وزیر آموزش و پرورش بود.

آموزش و پرورش نوین، به مثابهٔ یکی از مهم‌ترین شاخصهای دوران گذار، از هنگامی که در قانون اساسی مشروطه (اصل نوزدهم متمم قانون اساسی ایران) مجال ظهور و بروز یافت، همواره تا سالهای سال با مسئلهٔ تالیف، چاپ و انتشار کتابهای درسی مواجه بود. مادهٔ چهاردهم قانون اساسی فرهنگ، که در ذیقعدة ۱۳۲۹ ق. / آبان ۱۲۹۰ ش. و در بیست و هشت ماده به تصویب رسید، فقط بر نبودن مطالب ضد دین و اخلاق در کتابهای درسی صراحت داشت و نه چگونگی تهیه و توزیع آنها.

در مادهٔ مزبور، آمده بود: «وزارت معارف، باید تدریس کتبی را که مضر به اخلاق و دین محصلین است، ممنوع نماید و کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد، در هیچ مدرسه‌ای نباید تدریس بشود.» (۱) این تأکید و تصریح قانونی، برای این بود که تا سال ۱۳۱۷، کتابهایی در مدارس سراسر کشور تدریس می‌شد که مؤلفان آنها، گروهی از معلمان یا دیگر دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت بودند که ناشرانی چند نیز آن کتابها را به چاپ می‌رساندند و روانهٔ بازار می‌کردند. پیداست، در چنین وضعی که تولید کتابهای درسی در انحصار دولت نبود و هر کس می‌توانست کتابی تالیف کند و در صورت موافقت مسئولان فرهنگ، آن را به چاپ برساند و به مدارس بفرستد، غث و سمین و زشت و زیبا به هم آمیخته می‌شد و در نتیجه، گزینش درست‌ترین و بهترین کتابها دشوار می‌گردید. (۲)

برای سر و سامان دادن به این وضع، در سال ۱۳۱۷ وزارت فرهنگ، بر آن شد تا کتابهای درسی را زیر نظر خود چاپ و منتشر کند. (۳) پس از آن، به موجب مادهٔ دوم قانون تعلیمات اجباری، مصوب ۶ مرداد ۱۳۲۲، «... تالیف و طبیح کتابها را وزارت فرهنگ، با رعایت اصول آموزش و پرورش خاصه تربیت اخلاقی دانش‌آموزان، خود به عهده گرفت و به این ترتیب، تهیه و توزیع کتابهای درسی، به انحصار دولت درآمد.» (۴)

## سند شماره ۱ هفتم آبانماه ۱۳۱۷

وزارت فرهنگ، اداره نگارش در این موقع که تصمیم گرفته اند کتابهای درسی دبیرستانها را تحت نظر مستقیم وزارت فرهنگ چاپ و نشر فرمایند، با نهایت احترام، سه جلد از کتابهای درسی خود را - که فعلاً در بسیاری از دبیرستانهای کشور تدریس می شود - برای بررسی تقدیم می دارد.

جلد اول کتاب هندسه - که برای سالهای اول و دوم تهیه شده - در مهرماه ۱۳۱۶ تالیف گردیده و از آن وقت تا کنون، سه بار به چاپ رسیده و در هفت هزار جلد منتشر شده است. کتاب دوم هندسه و کتاب حساب، در شهریورماه سال جاری از چاپ بیرون آمده است. نگارنده، با سابقه تدریس و با در نظر گرفتن مشکلات این کار، سعی کرده است مطالب نا آن جایی که ممکن است، ساده و نزدیک به فهم خردسالان نوشته و در عین حال، آنان را به ممارست و تمرین وادار نماید و در حالی که کوشش کرده است که کتاب را برای دانش آموز قابل استفاده قرار دهد، در نظر داشته که زحمت دبیران را تا حد امکان تقلیل دهد.

بدیهی است، بنده، معتقد نیستم که این کتابها از عیب مبرا هستند؛ ولی مصرف شدن نزدیک به شش هزار جلد از کتاب اول در سیزده ماه و پذیرفته شدن کتابها در اکثریت دبیرستانهای کشور، موجب شده است که تصور کنم تا حدی به منظوری که داشته ام، موفقی گردیده ام. در نظر داشتم که بمروور نقایص این کتابها را برطرف ساخته و کتابهای دیگری در تعقیب آنها تالیف کنم؛ ولی اینک زحمت تالیف و نشر کتاب را، وزارت فرهنگ برعهده گرفته اند و چون تصور نمی رود که در نظر داشته باشند که برای کتابهای درسی دبیرستانها فقط از استادان و دانشیاران استفاده نمایند یا دست کسانی را که سابقه کتاب نویسی داشته و در رشته های کار کرده اند بکلی از کار تالیف کوتاه سازند، به این وسیله تمنا دارم بررسی دقیقی در کتابهای بنده فرموده، در صورتی که مانع قانونی و مقرراتی در میان نباشد، بنده رانیز در تالیف کتابهای ریاضی دخالت دهند.

با تقدیم احترام، احمد بیرشک، لیسانسه در علوم ریاضی [امضا]

[سازمان اسناد ۲۶۰۸ آپ ۲۴۵۵۴۱ ۲۹۷۰۰۴۵۵۴۱]

## سند شماره ۲

وزارت فرهنگ، اداره کل نگارش، شماره ۲۵۰۳ / ن الف، ۱۰ شهریور ۳۱

### مقام محترم وزارت فرهنگ

اهمیت کتابهای درسی - که بحق رکن اساسی تعلیم و تربیت یک کشور است - بقدری روشن است که نیازی به استدلال، آن هم در برابر آن استاد روشن بین دل آگاه ندارد و با توسعه روزافزون آموزشگاه ها و تکثیر تعداد دانش آموزان، اتخاذ و اجرای یک سیاست صحیح و منطقی و اندیشیده در این زمینه، برای فرهنگ ما ضرورت حیاتی دارد.

بیست و اند سال پیش [۱۳۱۷] راه حل این مسئله دشوار در تهیه و نشر یک دوره کتابهای واحد، به وسیله خود وزارت فرهنگ یافته شد و کتابهایی منتشر گردید که با همه عیب و نقص، با در نظر گرفتن وسایل آن روز و به عنوان شروع کار، خدمتی اساسی بود.

بعد از حوادث سوم شهریور ۱۳۲۰ - که رشته های امور کشور از هم گسیخته شد و آزمندی و سودجویی صاحبان نفوذ، جایگزین شور و شوق خدمت گردید - کتابهای درسی نیز، خوان یغمای ناشران گردید و سال به سال، فساد در این زمینه بیشتر بالا گرفت و کار به جایی رسید که امروز جز با عزمی راسخ و اراده ای استوار و نظری صائب، رفع مشکل و جلب رضای مردم کشور، امکان نخواهد داشت.

در بیست سال اخیر جز چند مؤلف دانشمند معدود - که با صرف وقت، کسبی بالنسبه مناسب تالیف کرده اند - اکثر مؤلفان، دست یغما به کتابهای سابق وزارت می یازیده اند و با مسخ مطالب و پس و پیش کردن فصول و مندرجات آنها، کتبی را به عنوان تالیفات خود منتشر کرده و از این راه، جز انباشتن جیب منظوری نداشته اند! متأسفانه دستگاههای مسئول وزارت فرهنگ [هم] در این زمینه به وظایف قانونی خود عمل نکرده و گاهی در آن اعمال سودجویانه، همکاری و همگامی ورزیده اند. صدور بخشنامه های متعدد در معرفی کتابهای بی ارزش و وجود اسامی عده ای از مسئولان دستگاههای فرهنگ به نام مؤلف در پشت جلد آن کتابها، دلیل این مدعاست.

عدم رضایت مردم و نشر صدها مقاله انتقاد آمیز در مطبوعات کشور و نامه های شکوائیه فراوان - که بایگانی نگارش، لبریز از آنهاست - قضاوت مردم را در برابر این مسئله نشان می دهد.

شش سال پیش شورای عالی فرهنگ، در نهمصدویست و هفتمین جلسه مورخ ۳۵۱۷۱۵ خود، اساسنامه و آئین‌نامه‌ای به شماره ۶۵۳۱، ۳۸۹۷۱، ۳۵۱۷۱۵ تصویب کرد تا شاید قدمی در این راه برداشته شود.

آن روز سیاست وزارت فرهنگ، مبتنی بر آزادی تالیف و چاپ کتابهای دبیرستانی، به منظور ایجاد رقابت علمی بود تا شاید از این راه، کتابهای خوبی فراهم آید. متأسفانه نظر و غرض در همان قدم اول، در نحوه اتخاذ همان تصمیمات پیداست. زیرا مهلت رسیدگی به کتابها را، تا آخر اسفند همان سال (یک ماه و نیم بعد از تصویب آئین‌نامه) قرار داده‌اند و ظاهراً نظر، آن بوده است که فقط مؤلفان خاصی، فرصت تحویل کتب خود را به کمیسیون داشته باشند. اما در عمل، کسان بسیاری در همان یک ماه و نیم، کتبی تهیه و به کمیسیون تسلیم و اجازه انتشار گرفته‌اند و پیداست که ارزش کتابهای یک ماه و نیمه، چند تواند بود!

در شش سال اخیر، نتایجی از تجربه آزادی تالیف و نشر کتابهای دبیرستانی گرفته شد که نمونه‌هایی به اشاره ذکر می‌گردد:

۱. بیشتر مؤلفانی که کتب خود را بشتاب و بدون صرف وقت و حوصله لازم تالیف نموده بودند، سالهای بعد وقت و فرصت و کوششی را که می‌باید صرف تصحیح و تهذیب کتاب خود نمایند صرف تکاپو برای فروش بیشتر آن کردند و غالباً چاپهای بعدی کتب، عیناً بر چاپ اول کتابهاست با این تفاوت که اغلاط مطبعی [آنها] سال به سال افزون‌تر گردیده است.

۲. چون تعداد مؤلفان، بیش از حد متعارف و در بعضی کتابها، متجاوز از ۳۰ نفر است، مسئولیت کار پامال گردیده و کم مؤلفی، خود را ملزم به صرف کوشش در این کار کرده است؛ و چون با اطلاعات خارجی که این اداره دارد، غالب مؤلفان، که مردمی فعال هستند. علاوه بر وظایف اداری و آموزشی فرهنگی، کارهای سنگین دیگری را نیز بر عهده داشته‌اند و کمتر فرصت کوشش در بهبود کتاب خود را یافته‌اند.

۳. یک نوع رقابت تجارتي به حد اشد و غالباً به صورتی نامشروع، میان مؤلفان و ناشران در گرفته است. از آن جمله ناشران، بر پشت جلد هر کتاب، نام یکی دو تن از مامورین عالی رتبه وزارت فرهنگ را، برای استفاده از قدرت اداری آنان و نام چند استاد معروف را، به منظور بهره‌جویی از شهرت علمی آنان ذکر کرده‌اند و در سالهای اخیر یکی از ناشران، در هر کتاب نام چندین ده تن معلم را به عنوان همکاران مؤلف چاپ کرده و به موجب اطلاعات رسیده، قرارهایی با این کسان در میان بوده که در ازای تدریس هر جلد از کتابهای آن ناشر، مبلغی حق الزحمه دریافت نمایند که البته کار این افراد، دون‌شان معلومی و جرمی مسلم و قابل تعقیب است. پیداست که در چنین وضعی ارزش مطالب کتابها، مطلقاً مطرح نبوده و ناشر و مؤلف، این مؤثرترین وسائل تحصیلی نسل جوان را، به صورت کالای تجارتي می‌دیدند و این، بیشتر موجب تاءثر مؤلفان دانشمندی بود که این نوع زد و بندها را، در شأن مقام علمی خود نمی‌دیدند و فقط متکی به ارزش معنوی کتابهای خود بودند و حق آنان، با آن شیوه زد و بندها، پامال می‌گردید.

از ابتدای مطالب کتابها که بگذریم، تنوع و تعداد بی‌تناسب آنها نیز موجب مشکلاتی دیگر و مایه شکایت و اعتراض دانش‌آموزان و خانواده‌های آنها بود. مثلاً برای سال اول دبیرستان، ۱۵ نوع تعلیمات اجتماعی به تصویب کمیسیونهای وزارت فرهنگ رسیده و چاپ گردیده است و اخیراً نیز معلمان چندین استان و شهرستان، به تحریک و تشویق ناشران محل، کتابهایی تالیف کرده‌اند و برای کسب اجازه به اداره نگارش فرستاده بودند که به هیچ یک اجازه داده نشد. طبیعی است که با کثرت تالیفات، تیراژ کتب پائین می‌آید و بهای تمام شده، بالا می‌رود و این گرانی، تحمیلی بر خانواده‌هاست.

از طرف دیگر، غالباً با انتقال یک دبیر در اواسط سال تحصیلی، دبیر جدید، کتاب درسی را عوض می‌کند یا دانش‌آموزی با انتقال از شهری به شهر دیگر یا از دبیرستانی به دبیرستان دیگر، مجبور به خرید کتابهای دیگری است. همچنین بیشتر ناشران، با تعویض جلد و پس و پیش کردن ابواب و فصول، هر سال کتابهای چاپ قبلی را منسوخ و بی‌اعتبار می‌سازند و به شهادت اوراق مطبوعات [و آنامه‌های موجود در ادارات بازرسی و نگارش، دانش‌آموزان و مردم، اعتراض دارند که برعکس آنچه میان خانواده‌های فقیر معمول بوده، دیگر برادران و خواهران کوچک، از کتب کهنه برادر و خواهر بزرگتر نمی‌توانند استفاده کنند. حتی هر دانش‌آموز مردودی، این جریمه را نیز باید بپردازد که در هنگام تکرار تحصیل در یک کلاس، مجبور است کتابهای تازه بخرد.

دلایل و شواهدی که به اختصار ذکر گردید و کشمکشها و اعلام جرم‌هایی که در مسئله کتابهای درسی جریان یافته، در سالهای گذشته به نام و اعتبار وزارت فرهنگ بجایابی جا، لطمه‌های جبران‌ناپذیری وارد آورده است و جای آن است که به این اوضاع اسفناک، خاتمه داده شود.

در سال ۱۳۳۹، این مسئله مورد توجه وزیر محترم وقت قرار گرفت و اومقرر گردید کتابهایی که مجاز اعلام گردیده، مجدداً مورد بررسی دقیق قرار گیرد. اما ضعف و مسامحه کمیسیونهای منتخب شورای عالی فرهنگ و تغییرات بی‌دربی وزرای مسئول، مانع انجام این آکار اساسی گردید.

در سال ۱۳۴۰، مجدداً اقداماتی آغاز شد که در مرحله اول با صدور تصویب‌نامه شماره ۱۳۸۹۶/ت در جلسه مورخ ۴/۵/۱۸، هیئت وزیران، کتب درسی جزو کالاهای ضروری عامه، اعلام و مشمول قوانین منع احتکار و کیفر گرانفروشان گردید و اداره نگارش، موفق

شد. بهای کتابها را مجموعاً به میزان ۳۰ درصد تنزل دهد.

در مرحله دوم شورای عالی فرهنگ، در جلسه ۱۰۳۲ مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۴۰، همه اجازة هایی را که در مورد تدریس کتابها صادر گردیده بود، لغو کرد و مقرر داشت که کمیسیونهای جدیدی، کتابهایی را از بین کتابهای موجود انتخاب نمایند. کلیة کتابها به کمیسیونهای مربوط ارسال گردید. هر کمیسیون، جداگانه نظر داده است که کلیة کتابها دارای عیوب و نقایصی است و هیچ یک از آنها، شایستگی تدریس در دبیرستانها را ندارد و از میان آنها، تعدادی انتخاب و اضطراراً اجازه داده شده است که فقط در سال تحصیلی ۴۲-۴۱ تدریس گردد.

بدین ترتیب در سال تحصیلی آینده (۴۳-۴۲)، تدریس هیچ یک از کتابهای موجود، قانوناً مجاز نخواهد بود و جا دارد از هم اکنون کوششهای اساسی برای تهیه کتب دبیرستانی آغاز گردد تا در ابتدای سال تحصیلی آینده، کتب مورد نیاز در دسترس دانش آموزان قرار داشته باشد.

برای این منظور، اصول زیر پیشنهاد می شود که در صورت تصویب، مقرر فرمایند به مورد اجرا گذاشته شود:

۱. کتابها، به وسیله وزارت فرهنگ تهیه گردد.
  ۲. چاپ و نشر و توزیع کتب، به صورت مناقصه به ناشران واگذار گردد.
  ۳. تدریس هر کتاب، تا سه سال ثابت و تغییر ناپذیر باشد.
  ۴. به منظور ایجاد رقابت سالم علمی به وسیله مؤلفان و دانشمندان، مقرر گردد که در انقضای دوره های سالانه، هر کتابی از مؤلفان آزاد که بهتر از کتب تعیین شده باشد، جانشین هر یک از آنها گردد.
- در اجرای اصول فوق، پیشنهاد می شود که به یکی از دو طریق زیر عمل گردد:

۱. کمیسیونهای خاصی (برای تالیف کتب هر رشته یک کمیسیون) با شرکت استادان و دبیران و مؤلفان کتابهای درسی، در اداره کل نگارش تشکیل گردد. اعضا و امکانات سازمان کتاب، در اختیار این کمیسیونها گذاشته شود.
  ۲. سازمان کتاب - که از چند سال پیش برای اجرای همین منظور تشکیل گردیده - با معرفی اعضای جدیدی به تعداد کافی تقویت و تجهیز گردد تا بتواند قبل از فوت فرصت، دوره کامل کتب را تهیه و تحویل نماید. در زمان مزبور، عده ای از دانشمندان و دبیران وزارت فرهنگ، ماموریت دارند و کتب سال اول دبیرستان را نیز آماده کرده اند.
- در اجرای هر یک از دو طریق فوق، که تصویب فرمایند، سرعت عمل، کمال ضرورت را خواهد داشت؛ به طوری که کلیة کتب، تا اواسط بهار آینده آماده گردد تا بتوان در فرصت مناسب کار چاپ و توزیع کتاب را نیز انجام داد.
- همچنین سیاست وزارت فرهنگ، در این زمینه باید بصراحت و قاطعیت اعلام گردد تا ناشران و مؤلفان آزاد، به تکلیف خود آشنا گردند و بی جهت از راه تحریک و تشبیه، موجبات مزاحمت را فراهم نیاورند.
- در خاتمه با توجه به مراتب فوق، استدعا دارد در صورتی که مندرجات این گزارش مورد موافقت و تصویب باشد، مقرر فرمایند طرح تصوینامه ضمیمه، برای تصویب به هیأت وزیران پیشنهاد گردد و بعد از تصویب، بلافاصله اقدامات اجرایی آغاز گردد.

#### با تقدیم احترامات، دکتر محمد امین ریاحی

[حاشیه ۱]: آقای مدیرکل نگارش مطالبی که مرقوم فرموده اید، بسیار درست است. درباره کتابهای درسی دبیرستان، باید تصمیم قطعی گرفته شود که کار از این شرب الیهود بیرون بیاید؛ اما درباره نحوه عمل، دقت بیشتری باید کرد؛ مذاکره فرمائید، ۴/۶/۱۱.

[حاشیه ۲]: اداره یک نگارش ارفع بی نظمی از امر چاپ و نشر کتاب درسی، بسیار ضروری است. اما آنچه در این مورد باید توجه داشت [این است] که کتاب درسی، خیلی مهمتر از مؤلف و ناشر آن است. باید از هر کاری که موجب خوب شدن کتاب است، دریغ نکرد و با هر چه موجب رکود کتاب باشد، ممانعت شود. به نظر بنده، منحصر ساختن کتاب به یک دوره، مصلحت نیست. همان گونه که مقام وزارت دستور فرموده اند، باید از این امر خیلی مهم، که از ارکان فرهنگ است، با دقت و مطالعه اقدام کرد؛ اما دیر نباید تصمیم گرفت. [امضا]

[حاشیه ۳]: عیناً برای استحضار مقام معاونت وزارت فرهنگ، تقدیم می گردد، ۴/۶/۱۷. [امضا]

### سند شماره ۳

وزارت فرهنگ، اداره کل نگارش، شماره ۵۹۹۹ / ن الف، ۴۱/۷/۲۴

مقام محترم وزارت

با کمال احترام، تعقیب گزارش شماره ۴۵۰۳/ن الف ۱۰ شهریور ۴۱. که ضمیمه است. و طبق دستورهای مورخ ۴۱/۶/۱۷ و ۴۱/۷/۱۴ مقام محترم معاونت. که ضمیمه است. به عرض عالی می‌رساند:

تجارب یک ماه اخیر - که موسم توزیع کتابهای درسی است - فرصتی به کارکنان کل نگارش داد که یک بار دیگر بدقت نتایج روش تهیه و توزیع کتابهای دبیرستانی را مورد ارزشیابی قرار دهند.

کثرت شکایات دانش آموزان و اولیای آنها، از تنوع کتابها - با این که در سال جاری کتب مجاز هر درس در هر کلاس که سابقاً تا ۱۵ نوع می‌رسید، حداکثر به ۳ نوع تقلیل داده شده - و تخلف بعضی از ناشران و ایجاد قحطی مصنوعی کتاب و گرانفروشی بعضی از آنان، نشان داد که ادامه انتشار کتب دبیرستانی به وضع کنونی، به هیچ وجه قرین مصلحت نیست و این مسئله، باید به طور اساسی حل گردد و کشمکش که همه ساله جریان می‌یابد و در یک طرف آن، ناشران و کتابفروشان و در طرف مقابل، مردم و وزارت فرهنگ قرار دارند، پایان یابد.

نظر به مراتب فوق، خاطر عالی را به نکات زیر معطوف می‌دارد:

۱. در سال گذشته، متجاوز از ۵۳۰ جلد کتاب برای دبیرستانها مجاز شناخته شده بود؛ در سال جاری با کوشش کمیسیونها، این رقم به ۳۷۰ رسیده است و در صورتی که پیشنهاد این اداره مورد تصویب قرار گیرد، در سال آینده، کلاً فقط ۱۱۰ جلد کتاب مورد نیاز خواهد بود.

۲. از ۴۰ جلد کتابهای دوره اول، تعدادی به وسیله سازمان کتاب، آماده و تحویل این اداره گردیده است و بقیه را حاضرند تا آخر سال تحویل نمایند.

۳. ۷۰ جلد کتابهای دوره دوم، به وسیله وزارت فرهنگ (اداره نگارش یا هر اداره‌ای که ماموریت یابد)، تهیه خواهد گردید.

۴. در صورتی که تصویبنامه پیشنهادی صادر گردد، اکثر مؤلفان کتابهای موجود، خود را داوطلبانه در اختیار وزارت فرهنگ خواهند نهاد و از میان آن کتابها، می‌توان در بعضی رشته‌ها، برای هر درس در هر کلاس یک کتاب را موقتاً انتخاب کرد.

۵. با اتخاذ این ترتیب - مطابق محاسبه دقیقی که به عمل آمده - قیمت کتاب، به یک سوم بهای سالهای قبل و نصف بهای امسال تنزل خواهد یافت و از این راه، چهل میلیون ریال به نفع مردم صرفه‌جویی خواهد گردید و رضایت مردم و حتی ناشران و کتابفروشان نیز جلب خواهد گردید و کتابها بموقع و بدون هیچ تاخیر، در دسترس دانش آموزان قرار خواهد گرفت. در صورت لزوم، مقرر خواهند فرمود توضیحات کافی، شفاهاً به عرض برسد.

با تقدیم احترام - دکتر محمد امین ریاحی

[سازمان اسناد ۲۰۳ ت ۲ آب ۲۹۷۰۰۴۲۶۹۱]